

## ● سیکل حیات تهدید

(مقاله)

✍ علی اصغر بهنام<sup>۱</sup>

✍ دکتر اصغر افتخاری<sup>۲</sup>

### □ چکیده

شناخت فضای تهدید، اهم از قدرت، اولویت، اهمیت و گونه های آن در شناسایی سیکل حیات تهدید موثر است. دوره های زمانی در هر بخش متناسب با این پارامترها متفاوت می باشد. با شناخت صحیح آستانه تحمل فردی، جمعی، گروهی، ملی و بین الملل به همراه شناخت خطوط قرمز در نظام سیاسی، مراحل تکوین حیات تهدید و فعال سازی ابزارهای ساخته افتراری و فرم افتراری توسط هسته های تأمین و صیانت از امنیت تبیین می شود. مراحل حیات تهدید عبارتند از: آینده پردازی تهدید، نظریه پردازی عملیاتی، تهیه نمادهای جایگزین با هندارهای موجود در جامعه، ایجاد اتحاد در هسته های مختلف عملیاتی و گسترش و توزیع تهدید، استقرار هسته های اعمال تهدید، ایجاد انسجام در درون هسته های عملیاتی و گسترش و توزیع تهدید، تسخیر هسته های عملیاتی از خود در برابر ضربه توسط هسته های تأمین امنیت، گسترش و توزیع تهدید توسط هسته های مربوط، پیاده سازی و استقرار در اهداف تهدید، استمرار و بقای تهدید و حفاظت و صیانت از تسلط، اتحاد یا ائتلاف و با احتفالی تهدید و عناصر آن، سپس مرحله دریافت بازخورد و بررسی و ارزیابی تهدید و استفاده از نتایج مربوط به عواقب و تبعات آن و ارائه راه حل ها و آینده های جدید تهدید است.

□ **واژگان کلیدی:** هسته تهدید، قدرت تهدید، گونه های تهدید، سیکل حیات تهدید، آستانه

تحمل

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام باقر(ع)

۲. معاون پژوهش و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

## □ مقدمه:

تهدید از جنس مخاطره، خطرات و خطر نیازمند به دو عنصر متقابل برای ظهور و بروز است. تاریخچهٔ تهدید به خلقت آدم و تهدید وی توسط شیطان باز می‌گردد، جایی که شیطان قسم خورد انسان را به انحراف خواهد کشانید؛ زیرا خود را برتر می‌پنداشت. قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (فجر/۳۳). گفت من نه آنم که سجده کنم بشری که از سفال نشأت یافته از لجنی گندیده است آفرینش آن. قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (همان/۳۶). گفت مرا مهلت ده تا روزی که برانگیخته شوند در آن. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص/۸۲). گفت به شکوه تو سوگند که همراه کنم آنان را همگان. این تقابل، اولین تهدید را در حیات انسان رقم زد.

دوران جنگ سرد در زمان معاصر، نقطهٔ اوج طراحی و اجرای تهدیدات بین دو قدرت برتر جهانی بود. متخصصین طرفین در همه ابعاد به طراحی تهدید علیه یکدیگر پرداخته و آنها را در عمل آزموده اند. تهدیدهای سخت افزاری و نرم افزاری به یک عادت روزمره تبدیل شده بود و با اعمال تهدید بر علیه یک متحد قطب، تهدید مشابهی در گوشه ای دیگر بر علیه متحدین قطب مقابل به وجود می‌آمد. استراتژیست های طرفین مرتباً خود را برای بهترین شرایط و بدترین شرایط آماده می‌کردند. اما هیچگاه شوق در تصور خود باور نمی‌کرد که تهدید فروپاشی با سرعتی سرسام آور اردوگاهش را درنوردد و متحدانش را با انقلاب های رنگین به جرگه متحدین غرب پیوند زند. تهدید از واژه های مبهم و نارساست. برای شناخت آن بایستی آن را به اجزاء کوچکتر تقسیم کرد سپس اعماق آن را تشریح نمود. تهدید یک بعدی نیست؛ حتی ابعاد مختلف آن نیز بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و امکان جداسازی ابعاد از یکدیگر نیز میسر نیست. برای ساده سازی باید از برخی از پیچیدگی ها صرفنظر کرد تا بحث پیرامون آن شروع شده و هرچه پیش تر رویم تا زوایای مختلف آن را شناخته و حیات آن را تشریح نماییم.

## □ بیان مسأله:

باید اذعان داشت که در حوزه تهدید، مطالب کمی به زبان فارسی و مطالب زیادی به زبان لاتین، بصورت کتاب مقاله و مقاله اینترنتی وجود دارد و عموم مؤسسات تحقیقاتی و فکری علوم سیاسی و راهبردی به موضوع تهدید به چهره های گوناگون و در شاخه های مختلف آن پرداخته اند. جستجوهای مختلف پیرامون واژه "سیکل حیاتی تهدید" یا "Threat Life Cycle" اعم از کتابخانه ای یا اینترنتی نشان می دهد که این ترکیب از کلمات تاکنون مورد استفاده واقع نشده و تا کنون در این موضوع، مکتوب مدونی وجود ندارد. احتمال می رود کلیه محققین عرصه امنیت و علوم سیاسی فرض را بر آن نهاده اند که دانشجویان و خوانندگان بسیاری این مفاهیم را در گذر رخدادهای اجتماعی و سیاسی روزمره تجربه کرده اند و نسبت به مفاهیم امنیت، آسیب و تهدید آشنایی نسبی دارند. اما مسلم است که هر چه یک پدیده یا واژه مورد موشکافی دقیقتر واقع میشود و زوایای دیگری از آن مورد بحث و بررسی قرار می گیرد مجهولات جدیدتری در آن نمایان می گردد. با این تعبیر مسؤولیت محققین و پژوهشگران در ارائه مطالب نو در این حوزه ها مخصوصاً تهدید شناسی افزایش یافته و برایشان فرض است که منابع جدیدی را در آن تولید نمایند. آسیب و تهدید دو اعتبار از یک پدیده است. یک اعتبار بالقوه و دیگری اعتبار بالفعل، بطوری که فرد و جامعه بصورت نسبی در آرامش بسر می برند. با تغییر ماهیت آسیب به تهدید محیط صبغه و رنگ امنیتی بخود می گیرد و بازیگران را وامیدارد تا کنش ها و واکنش هایی را از خود ظاهر ساخته و به تناسب ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری را بکار گیرند. اما کمتر زمانی به این مسأله پرداخته شده است. در میان این تحرکات و تغییر و تحولات تهدید چگونه متحول می شود و چگونه ضربات خود را سهمگین می سازد؟

## □ اهمیت تحقیق:

تهدید و امنیت دو روی یک سکه اند. در امنیت شناسی محورهای مختلفی مورد پژوهش و تحلیل واقع شده و وابسته به نوع رویکرد به آنها، مکاتب و نظریه ها و سلائق مختلفی ایجاد شده است. پروسه تهدید نیز همانند امنیت از پروسه

پیچیده ای برخوردار است و برای آن رویکرد ها و مکاتب مختلفی را به وجود آورده است.

بررسی واقعی و تشریح گذشته، حال و آینده، تهدید نیازمندی به رویکردی واقع گرایانه دارد؛ هر چند مولدین تهدید ممکن است دارای مکاتب دیگری باشند؛ اما تحلیل گر و استراتژیست در واقع گرایي تمديد شده است.

### □ سؤال تحقیق:

هدف از این مقاله، یافتن پاسخ این سؤال است که: سیر تکوین حیات تهدید چگونه است و به چه عواملی بستگی دارد؟

### □ سوابق تحقیق:

علی رغم تلاش های انجام شده، مرجع و منبع مستقلى در این موضوع بدست نیامد. لذا تلاش می گردد با رویکردی به شناخت سیکل حیات تهدید و یافتن مسیر تحولات آن به بازخوانی تعدادی از منابع و مأخذ در این حوزه پرداخته و با استنباط از مطالب آنها نکاتی هر چند اندک را به رشته تحریر در آورم.

روند تحول در تهدید در مقایسه با امنیت سریعتر و پیچیده تر است و خود را با شرایط متغیر، متحول و متکثر اجتماعی به سادگی منطبق می سازد و خود نیز متکثر شده و تغییر و تحول می یابد. عمق پدیده های اجتماعی، فضای تحقیق را فراروی پژوهشگران باز نگهداشته است؛ لذا پژوهش در حوزه تهدید نیز به همان اندازه عمیق و نیازمند تحقیق است. شناخت تهدید نسبت به امنیت بسیار سخت تر است. تهدید را میتوان همانند یک کوه یخ تصور کرد که ۹۰٪ آن در زیر آب است و صرفاً ۱۰٪ آن بالاتر از آب بوده و قابل رؤیت است، در حالی که امنیت همانند کشتی است، بیش از ۷۰٪ آن بالاتر از آب قرار دارد و حدود ۳۰٪ آن در زیر آب مخفی است. شناخت بخش ۹۰٪ غیر آشکار تهدید، بسیار پیچیده تر و سخت تر از شناخت تمام امنیت است.

ایجاد تهدید ساده تر از تأمین امنیت است؛ همان گونه که تخریب یک ساختمان بسیار ساده تر از ساخت آن است. در لحظاتی کوتاه می توان ساختمانی عظیم را به تلی از خاک تبدیل کرد در حالی که طراحی و ساخت آن ماه ها و شاید سال ها به طول انجامد.

روش های تولید تهدید نیازمند به قانون و قانون گرایی ندارد و تحت هر شرایطی می توان تهدید را بوجود آورد. اما تأمین امنیت نیازمند به قانون و الگوست و بدون قانون گرایی و تبعیت از آن و تحدید حدود بازیگران آن، تأمین آن میسر نمی باشد. تحقیق در موضوع همراهی و همگرایی تهدید شونده با تهدید و تهدیدگر، در حوزه تحقیقات فرهنگی جامعه پارامترهای آن تعیین می شود. اما ابعاد اجتماعی و نهادهای سیاسی و اجتماعی و ساختار آنها، در توفیق تهدید یا عدم توفیق آن نقش مؤثری دارد.

### □ روش تحقیق:

این تحقیق از طریق توصیفی وبا استفاده از روش کتابخانه ای و با هدف ایجاد فضای مفهومی در درک مطلوب تهدید صورت گرفته و با استفاده از روش منطق قیاسی سعی کرده است اجزاء مؤثرتر روش شناسی تهدید را شفاف سازد.

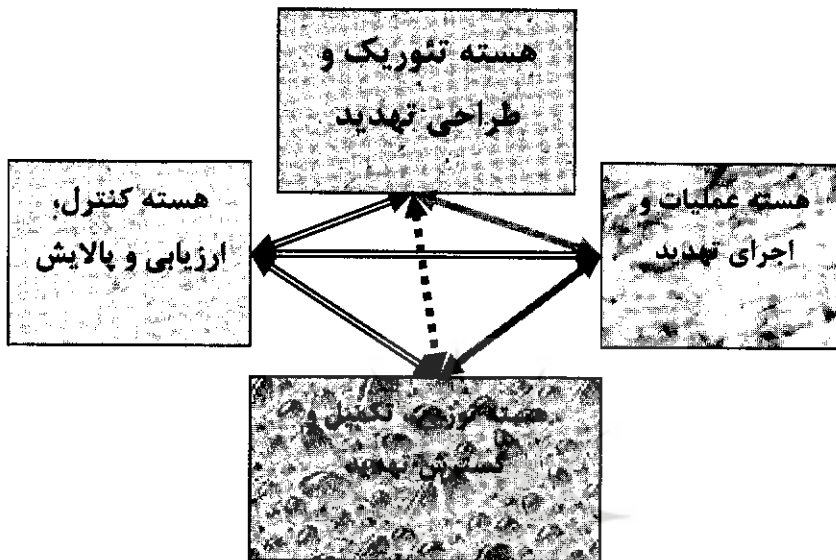
### □ ادبیات تحقیق:

تحقیقات نشان می دهد که تجميع ۴ عنصر در بروز تهدید موثر است. این عناصر عبارتند از: «ایده، نیرو، ابزار و فرهنگ». این عناصر در ترکیب با یکدیگر، انرژی تهدید را آزاد کرده و منجر به شعله ور شدن تنش و ناامنی ها می شود. برای تأمین عناصر فوق الذکر، به ۴ هسته اولیه نیازمندیم.

- هسته تئوریک طراحی و ایده پردازی؛
- هسته عملیاتی و اجرایی؛
- هسته کنترل، ارزیابی، پالایش، ترمیم و نگهداری عناصر و منابع تهدید کننده؛
- هسته توزیع، تکمیل و گسترش؛

هر یک از این هسته ها وظایفی دارند که متناسب با آن ساختار متفاوتی را اتخاذ می کنند.

نمودار ۱: هسته های تهدید



**هسته تئوریک:**

هسته تئوریک، وظیفه طراحی و ایده پردازی و تولید تهدید را دارد. گروه با استفاده از زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، تاریخی و ... هدف و نیاز به استقرار و کسب قدرت و اقتدار در هدف، مسیر حرکت خود را ترسیم می نماید. عناصر این هسته باید دارای خصیصه های ذیل باشند؛

- از ابعاد مختلف هدف شناخت کافی داشته باشند؛
- نسبت به نیل به هدف تهدید از انگیزه کافی برخوردار باشند؛
- اصول مربوط به تئوری پردازی و اصول طراحی استراتژیک را رعایت نمایند؛
- از قدرت ابداع و احتمال قوی برخوردار باشند؛
- در تشخیص هدف و نوع تهدید موثر همگرایی لازم را داشته باشند؛
- رازداری و اعتماد متقابل در گروه، بعنوان اصل بنیادین پذیرفته شده باشد؛
- از عوامل موثر بر احساس و قدرت در محیط تهدید شده هم زمان و بهینه استفاده شود؛

- قدرت شناخت واقعیت های موجود را داشته و آنرا از حقایق مربوطه تفکیک کنند.

هسته عملیاتی باید دارای مشخصات ذیل باشد: [۳:۱۱۷]

- هسته عملیاتی، موظف به کسب قدرت انحصاری در حوزه عملیاتی فعالیت خود می باشد تا نسبت به رقبایش از موقعیت بالاتری برخوردار گردد؛
- طیف فعالیت خود در حوزه های مرتبط را افزایش داده و افراد و منابع بیشتری را جذب می نماید و زمینه استحاله این منابع در مسیر اهداف تهدید را فراهم نموده، آنها را در هسته های عملیاتی به کار می گیرد؛ یا آنها را برای اقدامات دیگر به سمت هسته تئوریک هدایت می کند؛
- هسته عملیاتی با هدایت هسته تئوریک در خود به ایجاد انعطاف می پردازد؛
- قدرت تکثیر؛ تعدیل و همگرایی، مشابه با فعالیت های یک ارگانسیم زنده را راهبرد خود قرار می دهد تا همانند یک سلول بنیادی تکثیر شود؛
- به هم پیوستگی خود را از ابتدا تا انتهای سیکل حیات از دست ندهد؛
- توسط هسته کنترل، ارزیابی و پالایش؛ ترمیم شود؛
- مسیر حرکت خود را از میان مسیرهایی که تحت کنترل پدیده تهدید شونده نیست، باز نماید؛
- حرکت خوشه وار داشته باشد و پس از اعمال تهدید، لبه های گسترش را خوشه وار سازماندهی نموده، تکمیل نماید؛
- یکپارچگی هسته های مرکزی «عملیاتی»؛ «تئوریک» و «کنترل، ارزیابی و پالایش» همواره حفظ شود.

چنین هسته عملیاتی، تهدیدی را به وجود میآورد که در استمرار و بقا از استحکام بیشتری نسبت به تامین امنیت و بقاء امنیت برخوردار است. تهدید را یک فرد یا نهاد کوچک یا یک قدرت بزرگ می تواند تولید کند. همچنین می تواند به صورت مستقل نیز حضور خود را در عرصه تهدید تحمیل نماید؛ در حالی که در تامین امنیت، نهادهای مختلفی از نهادهای محلی کوچک گرفته تا نهادهای بزرگ و بین المللی دخالت دارند. در تفکر پیرامون تهدید؛ سیکل حیات تهدید شروع می شود. اما در تهدیدهای سازماندهی شده، طرح ایده تهدید، در هسته تئوریک، چرخه و سیکل را راه می اندازد.

### هسته کنترل، ارزیابی، پالایش، ترمیم و نگهداری

مهمترین عنصر در تولید و بقای تهدید، هسته کنترل و ارزیابی است. این هسته قلب تهدید است. کلیه فرآیندها و عناصر هسته ها تحت نظارت این هسته به فعالیت می پردازند و این هسته وظیفه حفظ و صیانت از فعالیت ها، فرایندها و عناصر تهدیدگر را به عهده دارد.

عناصر این هسته موظفند:

- کلیه اطلاعات مورد نیاز خود اعم از محیط تهدید شونده یا تهدیدگر را با انواع شیوه های ممکن از طریق مرتبطين و یا عناصر موجود در محیط تهدید شونده جمع آوری نمایند؛
- اعمال و رفتار عناصر و فرایندهای تهدید را به صورت کیفی نظارت نمایند؛
- مراکز مناسب را برای تولید و طراحی تهدیدات جدید به هسته طراحی و تئوریک معرفی نمایند؛
- عناصر نامطلوب یا نامناسب در هسته ها را آموزش، جابجا، جایگزین، ایزوله یا حذف نمایند؛
- نیازهای اطلاعاتی، تدارکاتی، مالی و ... در هسته های دیگر را تأمین نمایند؛
- ارتباط با مراکز پشتیبانی تهدید را به عهده داشته و حفاظت از آن را انجام دهند؛
- و ...

### هسته گسترش و توزیع تهدید

عناصر این هسته در ابعاد مختلف اقدام به توزیع و گسترش تهدید می نمایند. این ابعاد عبارت است از:

- هدایت عملیات روانی و توزیع شایعه و یا هدایت به سوی منابع موضع شایعه؛
- هدایت و پشتیبانی عملیات مخرب تهدید در محیط رشد تهدید؛
- منسجم نمودن جبهه ها و عناصر پراکنده مستعد پذیرش تهدید؛
- فرود ضربات سخت افزاری و نرم افزاری تهدید در محیط هدف تهدید؛
- انجام اقدامات ایذایی برای احتفا و پنهان سازی تهدید اصلی؛



- تأمین اطلاعات مورد نیاز هسته طراحی و تئوریک برای طراحی اقدامات بعدی.

... -

هر یک از این هسته ها به اجزاء کوچکتری تقسیم می شوند؛ هسته های مذکور با یکدیگر در یک فرایند چرخشی به تعامل می پردازند. هسته طراحی با ارائه طرح های خود به هسته عملیاتی و با یک ارتباط دوسویه آنها را به واقعیت نزدیک تر نموده و طرح ها را در اختیار عناصر عمل کننده می گذارد. هسته های گسترش و توزیع تهدید نیز در ارتباط تنگاتنگ با هسته های عملیاتی با دریافت طرح های مربوط به حوزه عملکرد خود، اقدام به اجرای آنها می کنند. هسته کنترل و ارزیابی با نظارت بر انجام امور هسته ها، پیشرفت فرآیندها و عناصر را مورد ارزیابی قرار داده، اقدامات بایسته را به کمک هسته های طراحی و عملیاتی انجام می دهد.

### عامل هسته های تهدید و هسته های امنیت

تأمین امنیت در سایه پروتکل ها و قوانین بین المللی صورت می گیرد. تعریف کلمات و واژه های مندرج در آن پروتکل، در زبان و فرهنگ های مختلف، معانی متفاوت و بعضاً متضادی دارد؛ لذا پرتکل ها، خود همگرایی لازم را در بین نظام ها و کشورهای مختلف ایجاد نمی نمایند. هرچند برای رفع این نقیصه امروزه تعریف لغات بکار برده شده در این پروتکل ها در اولین نمونه آن آورده می شود؛ اما این تعاریف جامع و مانع نیستند. پروتکل ها خود چالش های جدید و زمینه های آسیب جدیدی را به سیستم و نظام تحمیل می نمایند. مطالعه پروتکل های CTBT، BWC، CWC، ABM و نظایر آن شامل: خلع سلاح آزمایشات هسته ای، کنترل تسلیحات میکروبی و بیولوژیک، سلاحهای شیمیایی و کنترل موشکهای بالستیک، همگی مؤید آن است که هر یک، زمینه های بروز تهدیدهای جدید را فراهم آورده و محل های غیر قابل بازرسی توسط بازرسان را مشخص نموده است.

معاهدات، خود به قربانی شدن بخشی از حاکمیت ها می انجامد. اما هنجارها و ناهنجاری های تدوین شده منجر به تبیین مکانیزم های نظارتی می شود و معیارهایی را برای اندازه گیری تهدید (و سیکل حیات آن) مشخص می سازد. در تبیین و تدوین راهبرد و شناخت تهدیدات، علوم جدید و استانداردهای تازه ای به

وجود می آیند. معاهدات حقوقی و روابط بین الملل تنظیم، متمیم و تکمیل می گردد. ( ۷:۵۰ )

در برابر، هسته های تهدید، هسته های کنترل تهدید یا تأمین امنیت نیز شکل می گیرد و این دو در تقابل با یکدیگر، فعال می شوند؛ هسته های شناسایی تهدید، تدوین مقابله، اجرای مقابله، بازخورد و نظایر آن به وجود می آیند. تهدید، هسته های پیشرو و پیش رونده دارد و امنیت دارای هسته های تعقیب کننده است. از این رو امنیت مفهومی است که بدون اشاره صریح یا ضمنی به تهدید، از معنی تهی می شود. به عبارت دیگر، تهدید در قلب مفهوم امنیت جای دارد. [۲:۳۴۲]

در بعد بین المللی، اگر میزان تهدید بر بقیه پدیده ها غالب شود، بطوری که بقیه بازیگران در برابر تهدید به حاشیه رانده شوند، برای اعمال تهدید واقعی، تهدیدگر باید دست به خودکشی ملی بزند. در بعد ملی، مهمترین تهدید، شکل گیری تهدیدات نظامی یا سیاسی از جانب عوامل خارجی است. لکن باید بین مهم ترین، قریب ترین و واقعی ترین تهدیدات تفاوت قائل شد. [۳۴۴: همان]

چرخه تهدید پیش از چرخه امنیت به حرکت در می آید. معمولاً سرعت حرکت تهدید، بیشتر از چرخه تأمین امنیت است؛ در صورتی که چرخه امنیت بتواند توانمندی خود را به موقع بسیج نماید و از ابزارهای نرم افزاری و سخت افزاری به موقع و به مقدار کافی استفاده نماید، میتواند تهدید را کنترل، منحرف؛ هضم یا جذب نماید. بدین ترتیب، سیکل حیات تهدید تغییر یافته، منقبض یا منبسط میشود.

### دگردیسی آسیب - تهدید

رابطه بین آسیب و تهدید در نمودار زیر مشخص شده است؛ آسیب هایی که به تهدید تبدیل می شوند و اقدامات کنترلی برای بازگشت آنها صورت نمی گیرد، خود از جمله عوامل فرسایش مشروعیت نظام می شوند. نوع تهدید در کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و جهان سوم متفاوت است. در کشورهای پیشرفته، تهدید در فضای امنیت و یا حداکثر در فضای سیاسی شکل می گیرد؛ در حالی که در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تهدیدات در فضای اجتماعی بوجود می آید.

[۳۴۵: همان]



فروپاشی نظام های سیاسی و یا دست به دست شدن نظام های دیکتاتوری میشود. در این گروه از کشورها، ممانعت از استفاده از فرصت ها توسط حامیان فروپاشی و تهدید، باعث می شوند تا تهدید تکثیر یافته، گستره و دامنه، حوزه تأثیر، و میزان شدت تأثیر آن مرتباً افزایش یافته، به سرعت حرکت چرخه حیات آن افزوده شود. زمان در مراحل چرخه حیات تهدید، منقبض یا منبسط شده و تکوین آن متحول می شود.

### ۱. فضای حیات تهدید

تهدید دارای منشاء های متفاوتی است:

- تهدید با منشاء داخلی؛
- تهدید با منشاء خارجی؛
- تهدید با منشاء داخلی که در خارج از محیط شکل گرفته و به داخل گسترش یافته است؛

- تهدید با منشاء خارجی که در داخل محیط شکل گرفته و گسترش یافته است. متناسب با منشاء تهدید، فضای تهدید در داخل و یا خارج از محیط شکل می گیرند. و مرزهای خود را به سمت اهداف تهدید گسترش می دهند. هنگامی که مرزهای تهدید در داخل محیط شروع به گسترش می کند، هسته های توزیع و گسترش فعال می شوند و در چرخه حیات تهدید مداخله می کنند. هرچه این هسته پر انرژی تر باشد، گستره و شدت تهدید مخرب تر و بیشتر خواهد بود و قدرت بیشتری خواهد داشت. سازگاری تهدید با میزبان خود بقاء و استمرار آنرا افزایش می دهد. زمان حیات این نوع از تهدید، در مرحله استقرار و مرحله دستیابی به اهداف بیشتر است. و دیرتر به مرحله اختفاء و امحاء خواهد رسید. در این گونه تهدیدات، اسناد و مدارک به ندرت افشاء می شوند. میزبان، انواع تهدیدات مانند واقعی، حقیقی یا موهوم را میزبانی می کند؛ اما همه آنها را واقعی و عملی می پندارد. در فضای اجتماعی تا فضای امنیتی، هرچه آستانه تحمل در رخداد از پدیده به سمت بحران بالا می رود، میزان قدرت تخریبی تهدید افزایش می یابد. بالعکس، با افزایش قدرت تخریب تهدید، میزان ریسک پذیری هسته های تأمین امنیت کاهش می یابد.

ادراک فضای تهدید و شرایط آن به میزان ریسک پذیری، بلوغ سیاسی و علمی، و حساسیت بازیگران این عرصه بستگی دارد. شناخت هدف اصلی، اهداف فرعی و پیچیدگی تهدید، به میزان درایت، هوش، آموزه های راهبردی بازیگران عرصه تأمین امنیت در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی دارد. شناخت منبع تهدید و نوع تهدیدات نیز به تهدید شونده کاملاً وابسته است. در صورت شناخت وضعیت و مرحله حیات تهدید، بکارگیری ابزارهای متناسب و متناظر تأمین و صیانت از امنیت ساده تر خواهد بود.

ظهور فضای تهدید در هر یک از فضاهای جامعه به وسیله گونه های متفاوتی از تهدیدات امکان پذیر است. تهدید می تواند آشکار، پنهان، متقارن، نامتقارن، متعارف، نامتعارف، رفتاری و یا ساختاری باشد. [۲:۳۸۱] توانایی در بهره گیری و یا عدم اطلاع از وجود ابزارهای علمی و تجربی درک و فهم از تهدید، گستره و قدرت آن را تحت تأثیر قرار می دهد. این در حالیست که انگیزه، نیات و اهداف تهدید، دوره و سیکل حیات تهدید را تغییر داده، آن را تعیین می کند.

رژیم ها یا دولت ها هم متغیر تهدید کننده به شمار می روند و هم می توانند متغیر تهدید شونده باشند. لذا در تولید فضای تهدید از قدرتمندی بالاتری برخوردارند. ایشان ابزارهای مختلف سخت افزاری و نرم افزاری گسترده و توانمند تر را وارد صحنه تهدید می کنند. از این رو در سیکل حیات تهدید ماهیت ایجاد می دارند، اما افراد، جوامع و عوامل ژئوپلیتیک معمولاً متغیر تهدید شونده هستند. اگرچه در شرایط خاص در تولید تهدید نیز می توانند نقش داشته باشند. از همین رو مسائلی چون تمامیت ارضی، حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و امور مذهبی، همواره تهدید شونده هستند.

مهمترین متغیرهای تهدید شونده، در پارادایم هدف تهدید عبارتند از: قابلیت نظامی، مشروعیت سیاسی، مدارای قومی- مذهبی، توانایی های اقتصادی و دسترسی به منابع حیاتی طبیعی [۱۴:۴۲]. هر چه اولویت هدف بالاتر و گستره آن وسیع تر و دامنه و شدت آن افزون تر باشد، باید قدرت تهدیدگری افزون تر شده، چند بعدی و همه جانبه نگر باشد.

تدبیر مقابله با تهدید با جدا سازی آسیب ها از عوامل دگردیس، امکانپذیر است. هرچه بتوان این دو را از یکدیگر تفکیک نمود و از یکدیگر مجزا نگهداشت، امنیت

پررنگ تر می شود. قدرتمند شدن تهدید، امکان تفکیک را کاهش می دهد. از این روست که: ترکیب تهدید و آسیب پذیری نا امنی را شکل می دهد و امنیت معنی و مفهوم خود را نشان داده شکل می گیرد. [۵:۱۳۵]

تهدیدات از منظر رهبران، نخبگان، بازیگران و مردم به صورت یکسان ادراک و فهم نمی شود و تهدیدات مشابه و یکسان، از منظر ایشان دارای اهمیت یکسان نیستند. در این رویکردها، متناظراً مراحل و سیکل حیات مشابهی را مشخص نمود. به همین دلیل است که بوزان معتقد است، تهدیدات مسائل ذهنی و عینی<sup>۱</sup> است. تهدیدات واقعی قابل سنجش نبوده و قابل درک نیستند. [۱۳۹: همان] باید برای گریز از مسیر تهدید، آن را تعدیل، جذب یا منحرف نمود. [۱۳۷: همان]

چگونه باید تهدیدات جدی، واقعی و قریب الوقوع را از دیگر تهدیدات تشخیص داد. تا اولویت را به آنها داده و متناسب با مرحله حیات، در برابر آنها هسته های تامین امنیت را فعال ساخت؟ در بین تهدیدات اجتماعی نمی توان خط افتراق مشخصی ترسیم کرد. در بعد اجتماعی، تهدیدات اقتصادی از پیچیده ترین نوع تهدیدات به شمار می روند؛ به طوری که خود را بر فضای سیاسی و امنیتی نیز تحمیل می کنند. اما کدامیک از آنها موضوع امنیت ملی واقع میشوند؟ سئوالی است که پاسخ آن هنوز به روشنی ارائه نشده است. عدم کنترل تهدید در میان رخدادهای طبیعی جامعه به ترکیب رخدادهای جدید یا تهدید شده می انجامد و رخدادهای طبیعی نیز رنگ تهدید به خود می گیرند [۱۴۴: همان]. میوه گندیده در میان میوه های دیگر، همه میوه های سالم را نیز خراب خواهد کرد؛ این درحالیست که قدرت تخریب در میان بقیه میوه ها، به میزان پوسیدگی و نوع خرابی میوه مخرب بستگی دارد. تهدیدهای جدی تر، میزان تخریب و قدرت بیشتری دارند. این تهدیدات در مرحله ایده پردازی و طراحی عملیاتی از انسجام و یکپارچگی بالاتری برخوردار بوده اند و مطالعات عمیق تری بر روی آن ها صورت گرفته است.

عوامل زیر در تشخیص جدی بودن تهدید مؤثر است:

- مشخص بودن هویت تهدید؛

- قریب الوقوع بودن تهدید، چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی؛

- میزان احتمال و شدت وقوع تهدید؛
  - میزان گستره عمل تهدید و عواقب احتمالی بعد از فروکش کردن آن؛
  - اوضاع و شرایط تاریخی که منجر به تقویت یا تضعیف تهدید میشود. [همان: ۱۵۹]
- تشخیص قدرت تهدید در تهدیداتی که دارای کانون مشخص و منبع روشن و معینی هستند، ساده تر است. دامنه و میزان تهدید، گستره زمانی و گستره جغرافیایی آن، در شناخت قدرت و حیات تهدید مهم هستند. اگر تهدید، یک فرآیند را نشانه رود شناخت زمان و مرحله عملیات استقرار، دستیابی به اهداف تهدید قابل پیش بینی نیست و عملاً چرخه حیات تهدید را در هاله ایی از ابهام فرو خواهد برد.
- در این نوع از تهدید یعنی تهدید فرآیند سه پارامتر زمانی مهم است:
- زمان تصمیم به فرود ضربه تهدید تا عملی شدن فرود ضربه؛
  - مدت زمان ادامه تهدید [همان: ۱۶۱]؛
  - مدت زمان باقی ماندن عواقب تهدید.
- شروع زمان فرود تا عملی شدن فرود ضربه تهدید، تقریباً مشخص است اما زمان ادامه تهدید یا زمان باقی ماندن عواقب آن کاملاً مبهم است. مانند جنگ جهانی دوم یا عواقب انفجار اتمی در هیروشیما و ناکازاکی. بنابراین، تشخیص قدرت تهدید و چرخه حیات آن نیز در هاله ایی از ابهام فرو خواهد رفت. این نتیجه گیری زود است که تصور کنیم سیکل و چرخه حیات تهدید به زمان های سه گانه فوق الذکر محدود می شود.
- تهدید اگر با تاریخ یک کشور، یا وقایع تاریخی آن و حساسیت های اجتماعی ملازم شود، می تواند قدرت تخریبی خود را تشدید و برخی از سیکل های حیات آن را کاهش و برخی دیگر را افزایش دهد. لذا مسائل تاریخی ممکن است بُعد واقعی تهدید را تحت تأثیر قرار داده و منجر به افزایش ابهام در کشف واقعیت تهدید شود.
- ریموند آرون<sup>۱</sup> معتقد است طبق «قانون تغییر»، برخی رخدادها و پدیده ها دچار تحول و تغییر می شوند [همان: ۱۶۳]. لذا با تغییر ماهیت آسیب پذیری ها، در زمان ها و مکان های متفاوت، نوع تهدیدات نیز تغییر یافته و متحول می شوند؛ اما شدت تخریبی خود را حفظ خواهند کرد. تهدیدات شدید که سرعت حرکت بیشتری

<sup>۱</sup> Raymond Aron

دارند باید در زمان کوتاه تری پاسخ داده شوند؛ اما تهدیدات ضعیف که سیکل بطئی و کندی دارند، می توانند در زمان های طولانی تر پاسخ داده شوند.

با تهدیدات بطئی و کند باید با دقت، ظرافت و تیزهوشی برخورد شود. در صورتی که قورباغه ای را در آب جوش بیندازیم، با سرعت از درون آن به بیرون می جهد و خود را نجات می دهد. اما اگر همان قورباغه را در داخل آب معمولی قرار داده و به تدریج دمای آن را افزایش دهیم، قورباغه نگون بخت، بدون آنکه متوجه شود، پخته خواهد شد و هیچ عکس العملی هم از خود نشان نمی دهد. زمانی قصد نجات و رهایی خود را دارد که دیگر دیر شده و عضلات وی قادر به اطاعت از سیگنال های مغز وی نیستند. تهدیدات بطئی می تواند به سادگی منجر به فروپاشی نظام های قدرتمندی، که حتی دارای نیروهای واکنش سریع نیز هستند، بشود. شناخت شدت و ضعف تهدید تحت تاثیر عوامل مختلف است.

تهدیدهای شدید عبارتند از:

- تهدیدهای خاص و ویژه؛
- تهدیدهایی که از نظر زمانی و مکانی به تهدید شونده نزدیک ترند؛
- تهدیداتی که احتمال بروز آن نسبت به بقیه بیشتر است؛
- تهدیداتی که عواقب مخربی دارند؛
- تهدیداتی که از نظر تأثیرات با وقایع تاریخی و اجتماعی ملازمت دارند ...

تهدیدات ضعیف عبارتند از:

- تهدیداتی که توزیع شده و پخش و پراکنده اند؛
- تهدیداتی که از نظر زمانی و مکانی نسبت به تهدید شونده دورترند؛
- تهدیداتی که احتمال ظهور و بروز کمتری دارند؛
- تهدیداتی که عواقب ضعیف تری دارند؛
- تهدیداتی که تاریخ نسبت به آنها بی طرف است...

شناخت فضای تهدید در جامعه، به منزله به کار افتادن ابزارهای تأمین امنیت است. هابز معتقد است: «اگر تهدید در کار نباشد بخشی از نقش بنیادی دولت به عنوان مرجع امنیت از بین می رود» [۱۶۶ و ۱۶۷؛ همان]. دولت برای افزایش نقش خود در جامعه و ایجاد حساسیت در بین افراد و جامعه اقدام به ورود و تزریق تهدیدات کنترل شده به بدنه اجتماع می کند، تا به نوعی نظام سیاسی را واکسینه



نماید. این عمل پویایی حکومت را افزایش داده و تسلط و قدرت آن را تثبیت می‌کند. نمونه‌هایی از این عمل را میتوان به انتشار دستورالعمل‌های اجرایی به منظور مقابله با تهدیدات بیولوژیک و شیمیایی در انگلستان و عملیات انتحاری یا شهادت طلبانه به سفارتخانه‌های کشورهای از جمله آمریکا، بعد از ۱۱ سپتامبر اشاره نمود.

قدرت تهدید به چگونگی فعالیت تهدید وابسته است. قدرت تهدید و سیکل حیات آن وابستگی دوسویه دارند. پاسخ به سئوالات ذیل این وابستگی را آشکار می‌کند:

آیا هنوز تهدیدات بالقوه (آسیب) فعال شده است؟ از تحرک، پویایی و دینامیسم برخوردار است؟ و یا تهدید مورفیک بوده و مرتباً تغییر شکل می‌دهد؟ بدیهی است هرچه تهدید به نوع مورفیک خود نزدیک تر باشد، امکان نفوذ و تخریب بیشتری دارد. بی توجهی به شناخت نوع تهدید و قدرت آن، تهدیدات ضعیف را تشدید و تهدیدات غیر مهم را جدی می‌نماید. در دل هر تهدید بالقوه (آسیب) ممکن است تهدیدات بالفعل متفاوتی نهفته باشد. لذا می‌توان جدولی از انواع تهدیدات و انواع آسیب‌های قابل تبدیل به یکدیگر را تهیه کرد. سپس در یک ماتریس  $N \times M$  ارتباط بین آنها را مشخص نمود تا بتوان شدیدترین و محتمل‌ترین تهدیدات را از بقیه آنها تفکیک کنیم.

### تعامل ادراک تهدید و حیات آن

تهدید یک مفهوم ذهنی، ادراکی و اعتباری است. ذهنی بودن آن به دلایل ذیل است:

- نخبگان و بازیگران برای عوامل تهدیدگر و تهدید شونده و چرخه حیات هر یک اعتبار متفاوتی قائل هستند؛
- تهدید در لایه‌های مختلف اجتماعی عمق نفوذ متفاوتی دارد. لایه‌های مذکور و تهدیدگر بر هم تراکنش متقابل دارند؛
- شناخت میزان اعتبار، درجه فوریت، میزان اولویت، منشاء تهدید، مرکزیت تهدید و منافع مورد تهدید و نظایر آن همگی همراه با ابهام هستند؛
- تهدید یک مفهوم نسبی است؛
- تهدید از عوامل اجتماعی و آسیب‌های آن قابل تفکیک نیست؛

- ماهیت تهدید متغیر است؛
- تهدید قابلیت نفوذ و رسوخ در عوامل مختلف اجتماعی را دارد؛
- فیلترهای ادراکی، اطلاعاتی، تجربی، هوشی، علمی و روانی تهدید شونده در شناخت تهدید و به کارگیری ابزارهای تأمین امنیت مؤثرند؛
- در هر دوره از حیات تهدید، یکی از نهادها یا ترکیبی از نهادهای اجتماعی در تأمین امنیت و کنترل آن مداخله دارند و...

### □ تجزیه و تحلیل داده ها:

با توجه به عوامل فوق می توان اظهار کرد که: مفاهیم ذهنی، ادراکی و اعتباری، اختلاف در شناخت و ظهور سلائق متفاوت را رقم میزند. این اختلافات زمینه بروز ابهام و تعارض در تصمیم گیری ها است. ابهام و تعارض، شناخت چرخه حیات تهدید را نیز متأثر ساخته و تفکیک مراحل آن را خدشه دار می سازد. به همین ترتیب، فعال سازی ابزارهای حمایت و صیانت از امنیت را نیز متأثر می سازد. تلاش برای ابهام زدایی و اثبات فرضیه های ابهام زدا، مراحل تکوین را پیچیده و سخت می کند.

تهدیدات در بعد جهانی کانونی شونده هستند. مهم ترین کانون هایی که تهدیدات در آنجا متمرکز میشوند، عبارتند از:

- کانون های ساختاری<sup>۱</sup>: که به طور مشخص فروپاشی «دولت - ملت ها» و برهم خوردن نظم حاکم را چنانچه "محمد ایوب" در مقاله «دولت سازی، فروپاشی دولت و شکست دولت» بدان پرداخته است، شامل میشود.
- کانونهای اجتماعی و روانشناختی<sup>۲</sup>: که به بروز منازعات تازه از ناحیه برخورد اقلیت های نژادی و مذهبی یا ملی گراها پدید می آید، از جمله تحلیلگران برجسته این حوزه می توان به «تد رابرت گار<sup>۳</sup>» اشاره کرد که در مقاله «اقلیت ها، ملی گراها و نزاع های قومی» در بستر تحولات جهانی شدن، بدان پرداخته و نشان داده است که چگونه این فرایند به بروز این منازعات دامن زده و سرنوشت بسیاری از واحدهای ملی را دستخوش تحول ساخته

<sup>1</sup> Structural Source

<sup>2</sup> Social & Psychological

<sup>3</sup> Ted Robert Gurr

است. در این زمینه باید به مقوله «احساسات مذهبی» که دیوید لیتل<sup>۱</sup> و معضل هویت که استین<sup>۲</sup> به بررسی درآورده اند نیز اشاره داشت.

- فرآیندها<sup>۳</sup>: که به طور مشخص فرآیندهایی چون مهاجرت<sup>۴</sup> و «گسترش تکنولوژی»<sup>۵</sup> را شامل می شود. سورکه<sup>۶</sup>، کمپ<sup>۷</sup>، بیزل<sup>۸</sup> و موران<sup>۹</sup> از جمله پژوهش گرانی هستند که این ابعاد را به تفصیل بررسی کرده اند [۴:۵۴-۵۵]

شناخت کانون های تهدید به شناخت انواع تهدید می انجامد. هر یک از این تهدیدات دارای سیکل حیات مخصوص به خود هستند. برخی از آنها دارای زمان بندی کوتاه تر و برخی بلندتراند. آن چه مسلم است آن که حیات تهدید از قانون «کمترین مصرف انرژی» تبعیت می کند. اما حیات در امنیت، بیشترین مصرف انرژی را دارد. برای تأمین امنیت بایستی کلیه آسیب پذیری ها و تهدیدات عملی تحت کنترل درآیند. اما تهدید کفایت، فقط به یک روزنه برای تنفس دست پیدا کند و فقط یک آسیب را پیدا کند؛ در همین لحظه حیات وی شروع شده و اقدامات بعدی خود را شروع می کند.

حیات تهدید به گونه و نوع آن، به شدت وابسته است. باید تهدید را با پروفایل های مختلف ارزیابی کرده و حیات را در آن جستجو کرد.

تهدید از منظرهای زیر دسته بندی میشود:

- ابعاد تهدید (از نظر کمی و کیفی «فرایندی و احساسی»؛
- متقارن یا نامتقارن بودن تهدید؛
- متعارف یا نامتعارف بودن تهدید؛
- سطح تهدید (فردی، جمعی، گروهی، ملی، منطقه ای، بین المللی، جهانی)؛
- کانون های جغرافیایی تهدید (داخل محیط جغرافیایی موضوع امنیت، خارج آن)؛

<sup>1</sup> David Little

<sup>2</sup> Janice Gross Stein

<sup>3</sup> Process resource

<sup>4</sup> Migration

<sup>5</sup> Technology

<sup>6</sup> Astri Shurke

<sup>7</sup> Geoffery Kemp

<sup>8</sup> Richard Dissel

<sup>9</sup> Theodore Moran

- هدف تهدید (حیاتی، مهم، حاشیه ای)؛
- زمان و پیروید حیات تهدید؛
- استعداد تهدید (بالقوه و بالفعل)؛
- ارتباط با بقیه تهدیدات (متصل، منفصل، کوئنی، بسیط، مرکب، مورفیک)؛
- کنش مسلط (عقلایی «معطوف به هدف، معطوف به ارزش»، غیر عقلایی «معطوف به عاطفه، معطوف به سنت»؛
- موضوع (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ...)
- دامنه و گستره تهدید ( خرد، کلان یا ملی) [۱۹۳:۶].

با توجه به پروفایل های فوق الذکر تهدیدات دسته بندی شده و سیکل حیات آن و دوره حیات در هر مرحله قابل بررسی است. رخدادها و رویدادهای اجتماعی را نیز می توان با استفاده از پروفایل های فوق دسته بندی کرد. با توجه به این که هر رویدادی تهدید نیست، سؤال اساسی آن است که کدام یک از رویدادها یا رخدادها، تهدید به شمار می رود و باید در شناخت سیکل حیات آن، موضوع بحث مقاله قرار گیرد.

### محیط رشد تهدید:

باران رویدادها در شوره زارها خس و خاشاک تولید می کند. شناخت محیط های آسیب پذیر و شوره زار چگونه صورت می گیرد. با توجه با ۱۲ محور ذیل، آسیب ها و تهدیدها قابل شناسایی هستند. متناظر با هر محور محیط های رشد و نمو آنها نیز قابل شناسایی است.

#### ۱. فرایند ناموزن و نارسای «درونی شدن ارزش ها»: هر گروه در جامعه تلاش

دارد تا گفتمان خود را بر منزلتی رفیع و استعلایی بنشانند. بدین ترتیب درونی کردن ارزش ها توسط جامعه دچار سکت و ناپیوستگی می شود؛

#### ۲. جابجایی ارزش های مسلط: نا زمانی که ارزش های مسلط استعداد تولید و

بازتولید و ظرفیت های انطباق با ارزش های محول را دارند، ارزش ها منزلت استعلایی خود را حفظ می کنند و میل به گرایش به ارزش های متفاوت نخواهند داشت؛

۳. **اختلال در فرایند انتقال:** ارزش‌ها و هنجارهای ملی، باید‌ها و نبایدهای یک جامعه که عمدتاً از منابع ایدئولوژیک اخذ می‌شوند، هستند. هر گونه شکاف در انتقال این ارزشها به نسل بعدی، تهدید زاست؛
۴. **اشاعه و انتشار ارزش‌ها و هنجارهای جدید:** قشرهای مختلفی از جامعه خصوصاً قشر جوان در معرض پیام‌های منتشره از سوی گروه‌های دیگر قرار گرفته‌اند؛
۵. **کاهش مقبولیت و مشروعیت گروه‌های مرجع ارزش (هنجار آوران):** بر اساس تئوری P-O-X از هایدز، اگر مردم یک پدیده، را منفی ارزیابی کنند و اگر آورنده و ارائه‌کننده و حامیان‌ش از نظر مردم ارزش مثبت نداشته باشند، مردم آن پدیده را نخواهند پذیرفت.
- به عقیده شوپنهاور، اگر انسان از یک شخص بدش‌آید، هر کار خوبی هم که بکند از نظر طرف مقابل منفی ارزیابی می‌شود و بالعکس. به دلیل گرایش مردم متدین به سیاست و قدرت و ذبح شرعی ارزش‌ها در سیاست‌ورزی، جامعه نگرش منفی را در مورد ایشان تعمیم و گسترش داده است.
۶. **سیاست زدگی سپر ارزش‌ها و منابع و مآخذ معرفتی-دینی آنان:** نوسانات شدید و سیاست زدگی مفرط، جامعه را گرفتار کرده است. بازیگران ارزشی که سیاسی شده‌اند، با نگاهی ابزاری به ارزش‌ها و نظام‌های هنجاری، از آن به مثابه یک نوع فن‌آوری قدرت و به‌استخدام در آوردن اهداف و امیال خود پرداخته‌اند؛
۷. **عدم نیاز پروردگی و زمان پروردگی ارزش‌ها:** بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران معتقدند که ارزش‌های اجتماعی سه سرچشمه دارد: «احساس نیاز، کمیابی و هنجار». ارزش‌ها برای تبدیل شدن به هنجار و نشست و رسوب در اذهان و رفتار آدمیان می‌باید با روح و تقاضاهای زمانه خود هماهنگی داشته باشند و جامعه آنان را با تمامی وجود طلب نماید. این بدان معنی نیست که با آغاز یک دوران متولد و با پایان آن دوران می‌میرند؛ بلکه بدین واقعیت دلالت دارد که ارزش‌ها باید قابلیت بازتولید

خود و تطابق خود با نیازهای مشروع زمانه را داشته باشند. در غیر این صورت، می باید خود را برای یک جابجایی و جایگزینی مهیا سازند. تبعاً این تغییر ارزشی، همراه خود نوعی فرود و افول ارزشی را نیز به ارمغان می آورد؛

۸. **تبلیغ نامناسب ارزش ها:** چنانچه بپذیریم که شیوه تبلیغ یک پیام (ارزش) اهمیت بسزا و تعیین کننده در به باور نشستن آن پیام دارد؛ باید بپذیریم یکی از دلایل بسیار موثر در تخفیف و تقلیل ارزش ارزش ها، فقدان آشنایی حاملان آن با هنر، علم و فن تبلیغات بوده است. تبلیغات قادر است با تهاجم خود همه چیز را مسخر نموده و فضای عمومی را ناپدید سازد. همزمان با از دست رفتن فضای عمومی به نحوی ظریف، محدوده خصوصی نیز از بین می رود؛

۹. **بروز و ظهور ارزش های کاذب:** گاه افول ارزش های واقعی در یک جامعه، ریشه در بروز و ظهور ارزش های کاذب اما جاذب دارد. در شرایط کنونی که «قدرت» و «تهدید» چهره ای نرم افزاری یافته و پدیده جهانی سازی یا غربی سازی، به عنوان پارادایم مسلط زمانه ما در آمده است؛ این پدیده (تولید و نشر ارزش های کاذب) از سهولت و اهمیت وافر برخوردار شده است. در عصر ما دژهای ملی و هویت یک ملت، نه به وسیله سخت افزار نظامی، بلکه از رهگذر تولید و بازتولید ارزش ها و هنجارهای کاذب و صدور و جایگزین کردن آن ها صورت می گیرد. تزریق ارزش های کاذب بسیاری به بدنه جامعه، هم از سوی خودی ها و هم از سوی بیگانگان صورت می گیرد؛

۱۰. **گسترش شبهات دینی:** گسترش و ترویج شبهات دینی، می تواند نقش بسیار مخربی در شالوده شکنی نظام ارزشی مسلط و تقلیل و تخفیف گرایشات ارزشی داشته باشد؛ این شبهات دینی در اولین حرکت حصار شکن خود، از چهره بسیاری از قواعد و دقایق دینی قدسی زدایی می کنند و به آن مشربی عرفی می بخشند و بنیان ارزشی جامعه را دچار تزلزل کرده موجب

کم رنگ شدن نقش ارزش ها در مناسبات و روابط اجتماعی مردم می شوند؛

#### ۱۱. گسترش ابتدال اخلاقی و اجتماعی (آنومیک شدن جامعه): اگر هنجارها را

منبعث از ارزش ها و قواعد برای عینیت بخشیدن به آنها بدانیم، آنگاه آشکار خواهد شد که بی هنجاری یا هر نوع ابهام در هنجارها با ابهام در ارزش ها رابطه ای وثیق دارد. زمانی که یک جامعه دچار آنومی های اخلاقی- اجتماعی می شود، فی الواقع گرفتار نوعی گم گشتگی و جابه جایی ارزش شده است. هر اندازه ابتدال های اخلاقی و اجتماعی سایه خود را بیشتر بر سپر عمومی جامعه بگسترانند، ارزش ها بیشتر و بیشتر به حاشیه جامعه کشیده می شوند و کمتر در مناسبات اجتماعی نقش ایفا می کنند؛

#### ۱۲. چند ارزشی شدن (تکثر ارزشی) فضای عمومی جامعه: فضای عمومی

جامعه، به تدریج به فضای چند ارزشی (ارزش های سنتی، مدرن، محلی، ایرانی، اسلامی، دینی، عرفی، غربی و ...) تبدیل می شود. در این فرآیند انسان ها کوشش می کنند (به نسبت پیوند گروهی خود و میزان فشاره هنجاری و هم شکلی که از جانب آن گروه احساس می کنند) پدیده های ارزشی جدید را در نظام رفتار خود تا آن حد که مغایر با هنجارها و ارزش های دیگر نباشد جاسازی نمایند و با شرایط خود تطبیق دهند. این فرآیند، گاه در چهره «تضاد ارزشی- هنجاری» بروز می کند که در سطح فردی خود را به صورت تعارض روانی ظاهر می سازد که طی آن در درون فرد احساس ربا و نفاق و در نتیجه احساس ناراحتی وجدان و تعرض و عدم تعادل روانی به وجود می آورد و در سطح کل جامعه به تضاد هنجاری و سپس تضاد ارزشی تبدیل می شود.

تضاد ارزش ها، در واقع یک مرحله از فرایند تغییر ارزش هاست، یعنی وقتی که در یک جامعه یک نظام ارزشی وجود دارد و جامعه در تعادل نسبی بسر می برد و بعد یک نظام ارزشی دیگر و متضاد وارد جامعه می شود، و این دو نظام ارزشی با هم در جدال هستند، اگر در این جدال یک نظام ارزشی موفق شود، مرحله تضاد ارزشی به درازا نخواهد کشید. [۱۵۴-۱۶۴: ۶].

با انطباق محورهای فوق بر جامعه و شناخت هر یک از عوامل موثر در این محورها، آسیب‌های موجود نیز قابل ادراک و فهم شده، تهدیدات از آسیب‌پذیری آن قابل تفکیک خواهد بود. با تمرکز بر روی تهدیدات مهم و با اولویت بالاتر، امکان شناخت مراحل حیات تهدید نیز بررسی و قابل تشخیص خواهد شد. ظرایف و نکات زیادی در شناخت روان‌شناسانه جامعه در این ارزیابی‌ها مؤثرند که موضوع این مقاله نمی‌باشد. تهدید در هر محیط، که یک یا ترکیبی از محورهای فوق را در خود دارد، دارای سیکل حیات ویژه‌ای است. زمان‌ها و دوره‌ها هر مرحله در این محورها با محیط و محورهای دیگر متفاوت بوده و تطابق و هماهنگی ندارد. برای شناخت دقیق این زمان‌ها بایستی به صورت مورد به مورد، در مورد هر رخداد بررسی و پژوهش دقیق‌تری صورت گیرد.

## ۲. آستانه تحمل:

آستانه تحمل هر فرد و جامعه تا جایی است که خطوط قرمز فرد یا جامعه مورد تعرض واقع نشود. در هر نظام سیاسی و جامعه‌ای، خطوط قرمز مختلفی وجود دارد این خطوط قرمز برای ایشان دارای قداست و طهارت است. از این رو که در شناخت این خطوط اختلاف نظر وجود دارد، نتیجه می‌گیریم آنها ادراکی و اعتباری هستند و با هویت نظام سیاسی ارتباط وثیق دارند. همه‌آحاد جامعه از این قاعده و قانون تبعیت می‌کنند که باید خطوط قرمز را محترم شمرده، قداست و طهارت آن رعایت گردد. اختلاف، در تعریف و شناخت این خطوط قرمز است. ادراک تعاریف و نحوه ترسیم آن توسط بازیگران موثر جامعه، متفاوت بوده، بدین سبب رخدادهای درون جامعه، رنگ آسیب یا تهدید به خود می‌گیرد.

گفتمان‌های سیاسی و نگرش‌های متفاوت به نوع و اجزاء امنیت در جامعه، حکایت از نوعی جنگ قرائت‌ها و آموزه‌ها پیرامون انگاره‌های متضاد دارد. انگاره‌هایی چون «انقلاب-اصلاحات»، «اسلامیت-جمهوریت»، «سنت-مدرنیت»، «جامعه دینی-جامعه مدنی»، «پوپولیسم-پلورالیسم»، «ارزشمداری-قانونمداری»، «ولایت مطلقه-ولایت مشروط»، «نظارت استصوابی-استطلاعی»، «قدسی‌گرایی-قدسی‌زدایی»، «فردیت-جمهوریت»، «اکثریت-اقلیت» و ... شکل گرفته و نشان از نوعی بازی تمایزها و هویت‌های متکثر (با تکثیر بازیگران سیاسی-اجتماعی) دارد که در حال شکل دادن طبیعت اولیه جامعه هستند. [۶:۲۹۴]



این تضادها، خطوط قرمز را جابجا کرده و موجب اختلاف نظر در سطح بازیگران شده و تضادی را در شناخت سطح تحمل طرفین ایجاد می کند. به همین ترتیب محل استقرار آستانه تحمل جامعه نیز ثابت باقی نمی ماند. و به فضای اجتماعی یا فضای امنیتی جامعه منتقل شده و ممکن است در هر مورد در مکانی متفاوت قرار گیرد. این استقرار علاوه بر رخداد به پارامترهای دیگری نیز وابسته است که با تکرار همین رخداد ممکن است محل استقرار آستانه تحمل با زمان های گذشته یکسان نباشد. در فعالیت های سیاسی- اجتماعی که سلائق و گروه های مختلف در آن دخالت دارند، عوامل متفاوت و مختلفی منجر به ایجاد تضاد در تعریف و ترسیم خطوط قرمز و تشخیص اعمال تهدید به هویت نظام می شوند.

عوامل ایجاد مانع و رادع در مسیر تعریف خطوط قرمز عبارتند از:

- عدم تکامل فرآیند ملت سازی؛
- طبیعت ملوک الطوائفی، قبیله ای، طایفه ای و شخصی بودن مناسبات سیاسی؛
- روحیه تمامیت خواه، مونولوگی یا تک صدایی، انسداد طلب و حقیقت محور؛
- قانون ستیزی؛
- نظم گریزی؛
- بالا بودن استعداد دگرسازی؛ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- روحیه فردگرایی؛
- استبداد زدگی؛
- فرهنگ سیاسی نابالغ؛
- فقدان نهادهای مدنی تنظیم گر و نظارت پیشه؛
- پایین بودن سطح آستانه تحمل فرهنگی. [۶:۲۹۵]

در صورت تهدید و عبور از خطوط قرمز سطح تحمل، نظام سیاسی، ابزارهای سخت افزاری کنترلی خود را به کار می اندازد و برخوردی سخت با تهدیدگران خواهد داشت.

سطح تحمل دیگری در جامعه وجود دارد که تا قبل از آن رخدادها را می توان با رویکردهای نرم افزاری کنترل نمود. از این سطح تحمل به بعد تهدید رخ می دهد. پدیده تهدید و سیکل حیاتی آن نیز همانند دیگر واژه های سیاسی-

اجتماعی در هاله ای از ابهام پیچیده شده است و شناخت آن نیز بخودی خود، بسادگی میسر نیست. بنابراین تلاش می شود تا جامعه به فضاهای کوچکتر تقسیم شود؛ دامنه تهدید محدودتر نموده تا بتوان آن را با نگاه دقیق تری بررسی نماییم و سیکل حیاتی آن را تشخیص دهیم.

با جداکردن جامعه به سه فضای اجتماعی، سیاسی و امنیتی می توان تهدید را در هر فضا و لایه جداگانه مورد مذاقه قرار داد. اگر چه خط کشی فیما بین این فضاها به سادگی امکان پذیر نیست و در میان این فضاها، لایه های ژله ای وجود دارد، اما می توان برای سادگی از این فضای مبهم و ژله ای صرف نظر نمود. با بررسی متون امنیتی و اطلاق واژه مناسب به وقوع هر رخداد، واژه های مختلفی به کار گرفته شده است. در هر فضا معنی و مفهوم رخداد تبیین شده و بجای استفاده مطلق از کلمه تهدید که خود بار سنگینی دارد؛ از کلمات دیگر با بار معنایی منطبق با همان فضا استفاده شده است. در فضای اجتماعی بجای کلمه تهدید از کلماتی چون پدیده<sup>۱</sup> و موضوع<sup>۲</sup> استفاده می شود و معمولاً از کلمه تهدید استفاده نمی کنند. در فضای سیاسی غالباً کلماتی چون مسئله<sup>۳</sup>، مشکل<sup>۴</sup>، یا معضل<sup>۵</sup> را جایگزین تهدید می نمایند. به همین ترتیب می توان در فضای امنیت از خطر<sup>۶</sup>، بحث<sup>۷</sup> و یا بحران<sup>۸</sup> به جای تهدید استفاده نمود. هر واژه دارای تعریف مشخص و محدوده کاربرد معینی دارد که موضوع بحث این مقاله نیست.

باید تشخیص داد از کدام مرحله به بعد تهدید واقع می شود و از کدام مرحله به قبل آسیب وجود دارد. لذا باید تشخیص دهیم سطح تحمل فردی؛ جمعی و ملی در هر یک از این سه فضا بر روی کدام طیف از هشت طبقه فوق الذکر منطبق است. به عبارت دیگر، تا کدام مقطع در یک رویداد؛ رضایت مندی افراد؛ جامعه و ملت تحت تأثیر قرار نمی گیرد. از کدام مقطع به بعد آنان اظهار نارضایتی می کنند و این

<sup>۱</sup> Phenomena

<sup>۲</sup> Subject

<sup>۳</sup> Issue

<sup>۴</sup> Problem

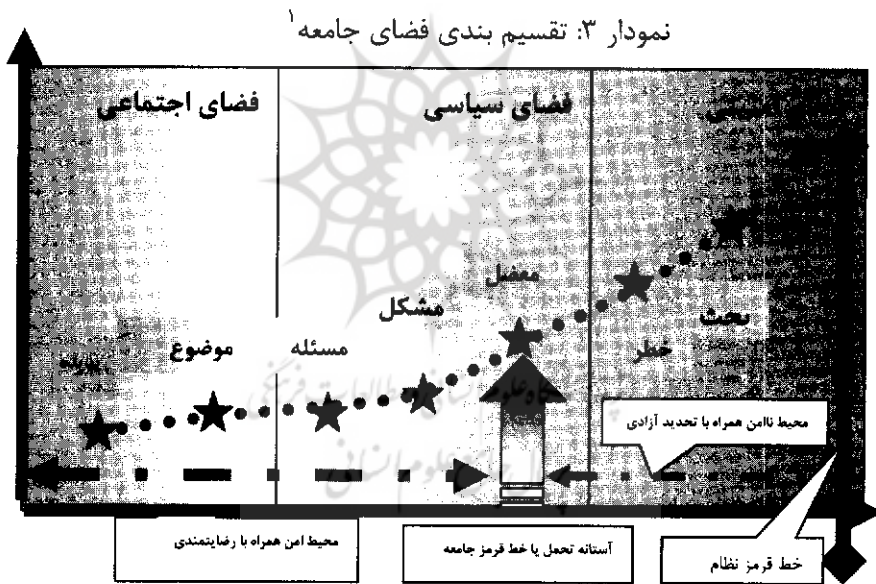
<sup>۵</sup> Problematic

<sup>۶</sup> Danger

<sup>۷</sup> Debate

<sup>۸</sup> Crisis

نارضایتی را چگونه بروز می دهند. همین مقطع را سطح تحمل فردی؛ جمعی یا ملی و یا سطح آستانه تحمل می نامیم. در صورت شکستن سطح آستانه تحمل، تهدید شکل می گیرد. مهم نیست در کدام مرحله از مراحل هشت گانه واقع شده باشیم. مهم آنست که مراحل بالاتر مراحل است که تهدیدها؛ بحران آفرین و نگران کننده است و باید ابزارهای نرم افزاری یا سخت افزاری تأمین امنیت و کنترل تهدید فعال شود. با متغیر بودن سطح آستانه تحمل تهدید معنایی دینامیک پیدا می کند و به تبع آن امنیت نیز مفهومی پویا به خود می گیرد. و شناخت سیکل حیات تهدید پیچیده می گردد.



با تشخیص صحیح سطح آستانه تحمل؛ سطح امنیت نیز نمایان می شود. باید توجه داشت که هرچه سطح آستانه بر روی طبقات بالاتر قرار گرفته و در مقطع فضاهای سیاسی یا امنیتی قرار گیرد، مردم و جامعه در مدت بیشتری احساس آرامش دارند و مشکلات بزرگ و رخدادهای پیچیده تر را راحت تر تحمل کرده و آن را هضم می نمایند.

در مقابل، به هنگام شکست سطح آستانه تحمل در مقاطع بالاتر؛ آسیب‌های بیشتر و جدی‌تری به تهدید مبذل می‌شود. لذا تهدیدات سخت‌تر شده، مدیریت پیچیده‌تر و داهیان‌تری را می‌طلبد. در عوض، اگر سطح آستانه تحمل بر روی رخدادهای فضاهای سیاسی اجتماعی قرار گیرد، جامعه همیشه ملتهب است و با ظهور هر رخداد ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کنترلی فعال می‌شود. و این کار تهدید را تقویت و تشدید می‌کند؛ چه بسا عواقب چنین تهدیداتی از تهدیدات متصور در فضای امنیتی مخرب‌تر باشد. اگر چه از نظر کیفی از اهمیت بالایی برخوردار نیستند؛ اما از نظر کمی تعداد زیادی از عوامل اجتماعی را با تهدید درگیر می‌کند.

در رخدادهای مختلف ممکن است سطح تحمل و آستانه شکست بر روی طبقه و طیف‌های متفاوتی قرار گیرد. لزوماً در همه رخدادهای این سطح در یک فضا و بر روی یک طیف قرار نمی‌گیرد. همچنین تغییر مکان سطح آستانه تحمل؛ به زمان؛ مکان و نوع جامعه‌ای که رویداد در آن واقع می‌شود؛ وابسته است. لذا شناخت روانشناسانه جوامع و افراد و انطباق آن با لایه‌های هشت‌گانه فوق‌الذکر متناسب با نوع رویداد و عوامل دیگر موثر بر آن در شناخت سیکل حیات تهدید بسیار مهم است.

اشتباه در شناخت امنیت؛ تهدید و سطح آستانه تحمل؛ ابزارهای سخت‌افزاری حکومت را بی‌موقع به کار می‌اندازد در نتیجه نه تنها تهدید را کنترل و امنیت را افزایش نمیدهد بلکه باعث تشدید تهدید شده و جامعه را به فازها و لایه‌های بالاتر هدایت نموده؛ امنیت را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب پیوند حیات در لایه‌های پایین‌تر کاهش یافته و تهدید به سرعت به لایه‌های بالاتر حیات خود وارد می‌شود.

### □ نتیجه‌گیری:

تحقیق در این حوزه در ابتدای راه است. جستجوهای میدانی، کتابخانه‌ای و جستجو در شبکه‌های اینترنتی سایت‌های علوم سیاسی و مراکز مطالعاتی داخلی و خارجی، مؤید آن است که هنوز به اعماق این حوزه پرداخته نشده است؛ یکی از دلایل آن شاید تصور بدیهی بودن موضوع و یا سری بودن آن باشد. تهدید همانند

باتلاقی است که بر روی آن نیلوفرهای زیبا رشد کرده باشند. هنگامی که عمق باتلاق مورد کنکاش قرار می‌گیرد بوی لجن مشام را می‌آزارد. در عصر حاضر، سیاست با تهدید عجین شده است و برای دسترسی به نهادهای قدرت بایستی از ابزارهای تهدید نیز استفاده شود. بدین سبب، شاید تحقیق در نحوه تولید تهدید و یا مراحل تکوین تهدید جزء اسرار حامیان قدرت و یا بازیگران سیاسی باشد.

آنچه مسلم است تهدید همراه با پدیده‌ها و رخدادهای درون جامعه زندگی می‌کند، همان‌طور که جامعه و عناصرش رشد می‌کنند، تهدید هم رشد کرده، بالغ می‌شود و در نتیجه این تصور صحیحی است که تهدید یک ارگانیسم زنده است و از اجزاء یک ارگانیسم طبیعی برخوردار است؛ فرایند و سیر تطور آن تحت تأثیر عوامل زیادی در جامعه متأثر می‌شود و تکامل خود را با تأثیرپذیری از آنها تکمیل می‌نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## □ منابع و مآخذ

۱. ابو حسنه، نافذ، دیندارها و سکولارها در جامعه اسرائیل، مترجم، سید حسین موسوی، تهران، مرکز مطالعات علمی و استراتژیک خاور میانه، ۱۳۸۱
۲. آزر، ادوارد ای؛ مون، چونگ این، امنیت ملی در جهان سوم، مترجم، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹
۳. افتخاری، اصغر، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، (گردآوری)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۴. افتخاری، اصغر، فرهنگ امنیت جهانی، در لای، آردی مک کین؛ لیتل، آر، امنیت جهانی؛ رویکرها و نظریه ها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۵. بوزان، باری، مردم دولت ها و هراس، مترجم، پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸
۶. تاجیک، محمد رضا، مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، رهیافتها و راهبردها، تهران، مرکز بررسی های استراتژیک، ۱۳۸۱.
۷. دلر، نیکول؛ ماکیحانی، آرجون؛ باروز، جان، حاکمیت قدرت یا حاکمیت قانون ارزیابی سیاست ها و اقدامات امریکا در مورد معاهدات امنیت، مترجمین: غریب آبادی، کاظم؛ حجازی، سید حسین، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۸. سنیه، افرائیم، اسرائیل پس از ۲۰۰۰، مترجم، عبدالکریم جادری، تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۸۱.
۹. علم الهدی، بهاء الدین، نژادپرستی اسرائیل و آمریکا، قم، مولف، ۱۳۷۸.
۱۰. عبدالفتاح طباره، عقیف، چهره یهود در قرآن، مترجم، آیت الهی، سید مهدی، قم، بی تا.

۱۱. فیندلی، پل، فریب عمدی (حقایقی در رابطه روابط امریکا و اسرائیل)، مترجم: آهوئی، محمد حسین، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
۱۲. گارودی، روژه، محاکمه صهیونیسم اسرائیل، مترجم: یارده، جعفر؛ نخستین، احمد؛ خلیل زاده، مجید، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۱۳. گارودی، روژه، تاریخ یک ارتداد، مترجم: مجید شریف، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۱۴. نور، لی؛ مارتین، جی، چهره جدید امنیت در خاور میانه، مترجم: نصیری، قدیر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۱۵. محمدی، محمد جعفر، راز پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۵.
۱۶. ولایتی، اکبر، ایران و مسأله فلسطین، بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.